



بمبی که اسرائیل را درهم کوبید!

مروان بشاره

برگردان: محمد علی اصفهانی

www.ghoghnoos.org

مروان بشاره، نویسنده و روزنامه نگار سرشناس فلسطینی، از اعضای کادر علمی مرکز مطالعات عالی علوم اجتماعی پاریس، و استاد دانشگاه های فرانسه است. از جمله آثار او می توان به کتاب معروفش در فرانسه: «فلسطین - اسرائیل: صلح یا آپارتاید» اشاره کرد.

فارسی شده ی تحلیل او را از پی آمد های گزارش مشترک ۱۶ سازمان اطلاعاتی آمریکا (که به این.آی.ای معروف شده است) در اینجا می خوانید.

این تحلیل را کانال تلویزیونی معروف «الجزیره» در یازدهم دسامبر، منتشر کرده است.

با مطالعه ی این تحلیل، نگرانی اسرائیل و جنگ افروزان پنتاگون را از انتشار عمومی گزارشی که به آن اشاره شد می توان راحت تر دریافت.

همچنان که دستپاچه شدن کارگزاران بومی اسرائیل و پنتاگون و تلاش شبانه روزیشان در آمریکا و اروپا، و به خصوص فرانسه ی سارکوزی و کوشنر را در جهت به زیر سوال بردن این گزارش، و

«اثبات» این که با وجودی که گزارش، همین امسال بسته شده است، حکومت ملایان، از سال ۲۰۰۴ (یعنی سه سال پیش از بسته شدن و جمع بندی گزارشی که روز به روز بازنگری و تکمیل شده است) دوباره کار ساختن بمب اتمی را از سر گرفته است. و همچنان که تطابق تصادفی خواست های مشخص اسرائیل که مروان بشاره در این تحلیل برشمرده استشان را با منافع مردم ما که خواهان بمباران تمام مراکز و تأسیسات حیاتی و اقتصادی خویش و پس از آن نیز آغاز مرحله ی نبرد زمینی یی هستند که به آزادیبخشی کامل ایران منجر خواهد شد.

و همچنان که حملات سیستماتیک، هیستریک، بی وقفه، بیمارگونه و وحشت زده را به مخالفان جنگ و تجاوز که ادا های ضد امپریالیستی در می آورند و نمی خواهند که آمریکا و اسرائیل در کار «استقرار دموکراسی از دمشق تا تهران» موفق شوند؛ و معتقدند که اگر خطر تجاوز نظامی به ایران به هر دلیل بر طرف شود، امکان رشد و موفقیت جنبش های کارگران، زحمتکشان، زنان، دانشجویان و تمام جامعه ی ایران، چند چندان خواهد شد؛ و سیل خروشانش کاخ های آخوندان را بر سرشان خراب خواهد کرد؛ اگر چه چیزی نصیب متحدان دشمن خارجی نشود...

و الخ (یعنی: الی آخر).

۲۵ آذر ۱۳۸۶

محمد علی اصفهانی

www.ghoghnoos.org

پس انتشار گزارش «اطلاعات ملی آمریکا»، مقامات بلندپایه و ژنرال های آمریکایی به اسرائیل اطمینان داده اند که به ایران همچنان به عنوان یک خطر استراتژیک نگاه می کنند. اسرائیل احساس می کند که با اجماع نظر ۱۶ سازمان اطلاعاتی

آمریکا در مورد کمرنگ بودن خطر اتمی ایران، بمبی بر سرش فرود آمده است.

دولت اولمرت، به روشنی اظهار داشته است که این گزارش او را قانع نکرده است و او خود در نزد خود دلایلی مبنی بر نادرست بودن محتوای این گزارش دارد.

در انتظار «افشاگری» های اسرائیل، در آمریکا متحدان نومحافظه کار اسرائیل و «اوانجیلیست ها» [که با تسامح می توان آن ها را صهیونیست - مسیحی، و یا مسیحی - صهیونیست نامید - م] نیز مراتب تردید و شک خود را به گزارش «اطلاعات ملی» ابراز داشته اند و ۱۶ سازمان امنیتی آمریکا را متهم کرده اند که کار اطلاعاتی را تبدیل به کار سیاسی کرده است. بعضی از آن ها این را زیر سر وزارت امور خارجه آمریکا می دانند.

آنچه ایده ئولوگ های «اول بمباران کنیم و بعد بررسی کنیم» را نگران کرده است ماجرای سلاحی نیست که به صورت قارچ ترسیم شده بود [اشاره به یکی از تبلیغات جنگی ایاد علاوی ها و چلبی ها و به خدمت گرفته شدگان عراقی اسرائیل و آمریکا به منظور آماده سازی افکار عمومی برای حمله به «عراق اتمی و تروریست پرور» - م] بلکه نگرانی این ها از آن است که می بینند گزارش «اطلاعات ملی آمریکا» فرش خونین طرح جنگی آن ها را از زیر پایشان کشیده است.

شما می توانید مطمئن باشید که اسرائیل، و لابیست های آمریکایی او تا زمانی که همچنان صدرنشین استراتژی آمریکا در خاورمیانه باشند، با چنگ و دندان هم که شده باشد با این گزارش مقابله خواهند کرد.

با توجه به این که بعد از این گزارش، ایده ی حمله به ایران را مشکل می توان به خورد مردم داد، آن ها اگرچه باید خود را با استراتژی جدید آمریکا تطبیق دهند اما از مبارزه با آن دست نخواهند کشید.

شک کردن به شک کنندگان

این دشوار نیست که حدس بزنید که اسراییل و سخنگویان او در آمریکا، نیات و همچنین کارآیی های ۱۶ سازمان اطلاعاتی آمریکا را به زیر سؤال خواهند برد. مخصوصاً وقتی که می بینند که این سازمان ها جرأت کرده اند که اطلاعات دروغین و ساختگی را از بنیان رد کنند.

از وظایف سیا و سازمان های مشابه آن، از جمله بقیه ی تشکیل دهندگان «اطلاعات ملی آمریکا»، یکی هم همین است که اطلاعات نادرستی را که از خارج به آن ها داده می شود مورد بررسی قرار دهند؛ و تسلیم سیاست های مدعیان نشوند.

وقتی که ۱۶ سازمان جاسوسی آمریکا احتیاط را کنار می گذارند و بی باکانه و جسورانه و تقریباً به صورت قطعی گزارشی را منتشر می کنند که می دانند بعد از انتشار می تواند بررسی شود و مورد تأیید و یا تکذیب قرار بگیرد، شما می توانید با اطمینان بگویید که این سازمانها از خودشان و نتیجه ی کار خودشان خاطر جمع هستند.

برای این سازمان ها خیلی راحت تر بود اگر نسبت به برنامه ی اتمی ایران اعلام خطر می کردند تا این که برعکس مثل حالا با ضرب بالا ی اطمینان اعلام کنند که ایران در سال ۲۰۰۳ برنامه ی به کارگیری نیروی اتمی در جهت اهداف نظامی را کنار گذاشته

است و هیچ برنامه‌ی هم برای از سر گرفتن آن ندارد. سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا، این گونه، با یک روش پیشگیرانه علیه «حمله‌ی پیشگیرانه»ی احتمالی به ایران، خیال خود را راحت کرده‌اند که افتضاحی شبیه آنچه در مورد عراق پیش آمد برایشان پیش نمی‌آید.

ایجاد شک نسبت به یکدیگر در میات شک‌کنندگان

این، موضوعی پنهانی نیست که اسرائیل هدفی مشخص را دنبال می‌کند: تحریک کردن واشنگتن به وسیله‌ی لابیست‌های خود به حمله به ایران با هزینه‌ی نظامی و سیاسی آمریکا از طرف اسرائیل و به خاطر او. و این نیز راز سر به مهری نیست که اسرائیل اطلاعات خود را فقط به صورتی که مطابق منافع خودش باشد با آمریکا تقسیم می‌کند.

ماجرای اشباع فضای تبلیغاتی از وجود خطر موهوم هسته‌ی عراق، قبل از اشغال آن، چیزی نبود به جز تنها یک نمونه‌ی تازه از این نوع شیوه‌های اسرائیل. ایران، نمونه‌ی است دیگر. سوریه هم نمونه‌ی دیگر تر. و غیره و غیره.

اسرائیل، اطلاعات جاسوسی را جمع‌آوری و تحلیل می‌کند. اما از پس پشت شیشه‌ی رنگی دولتی که بیشتر به یک پادگان شباهت دارد. ولی آمریکا اطلاعات خود را از منابع متعدد و متفاوت

در سراسر امپراتوری خود به دست می آورد.

خطر ایران، و یا هر کشور دیگری، فقط وقتی معنا و مفهوم و عینیت پیدا می کند که هم نیت و هم توانمندی - هردو با هم - وجود داشته باشند.

بنابر این، جنگی علیه ایرانی به راه انداختن که نه نیت و نه توان تهیه ی بمب اتمی را دارد چیزی نخواهد بود به جز یک جنایت جنگی مبتنی بر نیرنگ.

در نتیجه، اگر گزارش ۱۶ سازمان اطلاعاتی آمریکا، پنجره یی به سوی امکان حل و فصل مسایل بدون شتاب و در شرایط کمبود وقت، گشوده باشد، دیگر چه دلیلی برای استفاد از مجازات و استفاده از زور وجود دارد؟

هیاهو برپا کردن ها و داد و فریاد کشیدن های سراییل به این دلیل است که می خواهد مانع تغییرات سیاسی در جهت کم کردن فشار به ایران شود.

ابراز سوءظن نسبت به گزارش «اطلاعات ملی آمریکا»

سازمان های سیاسی و نظامی اسراییلی چنین می گویند که کم کردن فشارهای خارجی به ایران، و چشم پوشیدن از تهدید نظامی علیه ایران به نفع فشار های دیپلماتیک، یک ساده لوحی است!

نگرانی اسراییل فقط به خاطر اتفاق آرای ۱۶ سازمان اطلاعاتی آمریکا نیست؛ بلکه بیشتر از آن، از بابت این است که می بیند که نوعی اتفاق آراء علیه حمله به ایران، در میان مسئولان مختلف با انواع گرایش های مختلف در خود دستگاه حکومتی

آمریکا دارد شکل می گیرد.

اسرائیل به وحشت افتاده است از این که ممکن است استراتژی آمریکا تغییر کند و این کشور بیشتر به تغییر سیاست ایران متمایل شود تا به تغییر رژیم ایران [به وسیله ی حمله به ایران و نابود کردن تمامی ابران، و نه از سر خیرخواهی برای ملتی که سرزمینش به اشغال امریکا در خواهد آمد و خودش را در زیر بمب های اتمی قطعه قطعه خواهند کرد - م].

اسرائیل می ترسد از این که مبدا آمریکا بیشتر به هویج فکر کند تا به به چماق؛ و مبدا که آمریکا به جای اسرائیل، از دوستان عرب خودش برای این کار کمک بگیرد.

اسرائیل به «باز» هایی مثل رابرت گیتس (وزیر دفاع آمریکا) علاقه دارد و افراد تحت حمایت او دریاسالاران مولن و فالون، اولی رییس ستاد نظامی، و دومی فرمانده فرماندهی عمومی، و به ژنرال هیدن (از سیا) و به مایک کانل (از افراد سازمان های دیگر تشکیل دهنده ی ۱۶ سازمان اطلاعاتی).

و خلاصه: به همه به جز به آن هایی که خطوط ملایم دارند. [«مماشاتگران»! - م].

مدیریت سیاسی وزارت امور خارجه ی آمریکا، از جمله رایس و معاون او نگرپونته، و همچنین مدیریت کنگره از ایده ی حمله به ایران دفاع نمی کنند.

این ها اظهار تمایل می کنند که در روشنایی آنچه خود، نشانه های «دلگرم کننده» پی می نامندش که در صحنه ی نبرد دیده می شود، مشکلشان در عراق و افغانستان هم حل شود؛ نه آن که علاوه بر آن، خود را درگیر جنگی تازه و مرگبار در خلیج فارس

کنند.

این ها سرانجام فهمیده اند که منافع آمریکا بهتر تضمین خواهد شد اگر جنگ پرهزینه ی افغانستان و عراق، به نفع سیستم ارزان تری تغییر کند که تضمین کننده ی منافع آمریکا در درازمدت باشد.

واشنگتن امیدوار است که دولت ایران بتواند به «مفید» بودن خود در زمینه ی متوقف کردن قاچاق اسلحه به عراق، و به ملایم کردن مواضع آن دسته از مخالفان اشغال عراق که متحد او هستند، همچنان ادامه دهد.

واشنگتن منتظر ملاقاتی است که میان آمریکا و مقامات عالیرتبه ی ایرانی در عراق، برای ۱۸ دسامبر امسال پیش بینی شده است؛ و امیدوار است که این ملاقات به تشریک مساعی بیشتر میان دو دولت ایران و آمریکا در مورد عراق بیانجامد.

این اما به آن معنا نیست که آمریکا دیگر به ایران به عنوان یک خطر منطقه پی نگاه نمی کند.

از زمان انتشار گزارش «اطلاعات ملی» تا به حال، دستگاه بوش لحظه پی آرام نگرفته است از این که آنچه به قول او «خطر ایران برای ثبات منطقه» است را مطرح کند و جلو گزارش قرار دهد. دستگاه بوش، ناتو را به تهیه و اجرای سری سوم مجازات ها علیه ایران تحریک می کند. و این همه: علیرغم گزارش «اطلاعات ملی»؛ و علیرغم عدم تمایل شورای امنیت سازمان ملل متحد. فوریت قضیه، از زمانی که خطر، از یک خطر فوری و آنی، به یک خطر بالقوه تبدیل شده است، اُفت کرده است.

محافظه کاران واشنگتن همه جای جهان را پر از کشور های دارای خطر بالقوه می بینند: از کره ی شمالی گرفته تا ونزوئلا.

ولی خواهان بمباران کشور هایی از این دست نیستند.

این، یک ضربه ی مهم است بر پیکر اسرائیل و نئوکنسرواتور ها ی طرفدار اسرائیل. برای این جماعت، «همه ی گزینه ها روی میز است» جرج بوش، باید به کار بردن زور باشد؛ و نه دیپلماسی درازمدت.

فراسوی ایران

تغییر احتمالی استراتژی آمریکا در ارتباط با ایران، اسرائیل را به وحشت انداخته است که مبادا، این تغییر استراتژی، شامل تمام خاورمیانه هم بشود.

علاوه بر کنفرانس آنابولیس، این تغییر استراتژی، یعنی زبان و منطق جنگ را به نفع زبان و منطق دیپلوماسی رها کردن، بر اسرائیل فشار وارد خواهد آورد که در تجاوز و تهاجم به فلسطینیان ناچار به رعایت احتیاط هایی شود. مثلاً در مورد ادامه ی برپا کردن کولونی های جدید در سرزمین های اشغالی بیت المقدس شرقی.

دعوت از احمدی نژاد برای شرکت در اجتماع سران حکومت های خلیج فارس در آغاز دسامبر امسال، چراغ های خطر را برای اسرائیل روشن کرده است؛ و این که مبادا گشایشی به سوی ایران در کار باشد.

اسرائیل می ترسد که چنین فضایی باعث فشار هایی بر او در ارتباط با فلسطین شود و آمریکا منافع استراتژیک او را از نظر دور بدارد.

البته هرچه اسرائیل بیشتر خشم خود را از افشاگری ۱۶ سازمان
اطلاعاتی آمریکا نشان دهد، دست و بال بوش و رایس هم در
تحت فشار قرار دادن او - البته اگر اصلاً بوش و رایس چنین قصدی
داشته باشند - بسته تر خواهد شد!